مسیحیت و مسأله دنیوی شدن دین

چالز.س.وست

مترجم : همتی، همایون

\*«دنیوی شدن»طبق تعریف یکی از نهادهای جهانی مسیحی، کنار زدن نظارت دین و نهایتا ما بعد الطبیعه از صحنه‏های زندگی‏ است.

واژهء لاتینی«سکولوم»(1)دلالت دارد بر یک زمان‏ معین اما گسترده،یک قرن(به فرانسه یک سیکل) یا صرفا بر یک دوره و عصر خاص.این واژه هنوز نیز به همین معنا به کار می‏رود،مثلا هنگام بحث‏ از ظهور زمانی ستارهء دنباله‏دار یا سرد شدن زمانی‏ زمین همین معنا را می‏دهد.

این واژه با استعمال واژهء«آیون»(2)،در ترجمهء یونانی عهد جدید به نام«ولگیت»(3)،به معنای دوره‏ و عصر که گاهی به غلط به«جهان»ترجمه شده‏ است وارد اصطلاحات مسیحی شد.این واژه با همهء معانی متعددش،در عهد جدید به معنای این‏ عصر،که خدا آفریده است(عبرانیان،1:2)هنگامی که ما ازدواج می‏کنیم(لوقا،20:43)که‏ در آن ما به همسایه‏هایمان نیکی می‏کنیم(تیموتی، 6:17)اما می‏تواند توجه بدان ما را از وعدهء خدا دور سازد(لوقا،4:19)به کار رفته است.این‏ زمان،زمانی است که حاکمیت قدرتهای کور با شناخت کاذبشان،وعدهء خدا را مغفول نهاده است‏ (قرنتیان اول،2:8-6)دوره‏ای است که ما نباید به‏ ارزشها و ضوابط آن گردن نهیم(رومیان،12:2)و در نهایت به داوری خداوند منتهی خواهد شد (متی،24)و در پس آن زمانی خواهد آمد که در آن‏ مؤمنان از زندگی جاویدی برخوردار خواهند شد (لوقا،18:3).سکولوم در عهد جدید به معنای‏

\*سکولاریزه شدن عادت‏ روانی،شیوهء زندگی و روند حوادث بشری است نه فلسفه.و شگفتی ندارد که تلاشهایی شده تا آن را به عنوان نوعی جهان‏بینی ارائه‏ کنند.

تاریخی است که خدا آن را آفریده است،زمانی‏ است که خدا در آن به کار داوری و افاضهء فیض‏ اشتغال دارد.این زمان،همچنین دورهء گناهکاری‏ و عصیان آدمی و قدرتها و غرور و خودبینی‏ آنهاست،دورهء حاشیه‏نشین شدن حکمت است، زیرا که دیگر حکمت،ریشه‏ای در ایمان و بندگی‏ خدا ندارد.اما ملکوت خدا نیز که مؤمنان در انتظار آنند و بر طبق آن می‏زیند،یک سکولوم است،دورهء آمرزش و دوره‏ای پایدار(آیونیوس)(4)که خواهد آمد،اما آن نیز یک دورهء زمانی است.

اما در نسخهء ولگیت چنین ترجمه نشده است. واژهء یونانی«آیونیوس»تبدیل به واژهء لاتینی اترنا(5) (جاودانگی)شد و معنای دوره و زمان در ترجمهء آن‏ محو شد.توجیه این تغییر معنا در ترجمه را در رسالهء«تیمائوس»(6)افلاطون می‏توان یافت که در آنجا«آیون»نه به معنای زمان بلکه به معنای‏ بی‏زمانی آمده است به معنای واقعیت تحول ناپذیر مثل حقیقی که از این دیدگاه راستین همهء موجودات‏ این جهان ناقص و دارای زمان(کرونوس)(7)و زوال پذیرند.

بعدا واژهء سکولوم تقریبا به طور غالب اما نه همه‏ جا،به معنای موقت و گذرا و زمانی واژهء اترنال‏ (جاوید)به معنای بی‏زمان و تغییر ناپذیر به کار رفت.سکولوم دیگر به معنای دوره‏ای که شاگردی‏ و ارادت به مسیح و انقیاد و بندگی خدا در آن به‏ کمال می‏رسد نبود،این عمل تنها به دیرها و سلسله‏های دینی رهبانی اختصاص یافته بود. سکولوم دیگر به معنای زمان انتظار برای آمدن‏ آمرزشگر و تحقق وعدهء الهی در زمانی حاضر نبود. بلکه در عوض،در مسیحیت قرون وسطا،نوعی‏ سلسله مراتب دنیوی بین زندگی و عمل انسانها و زندگی دینی پدید آمد که تأکید می‏کرد خدمت و مراسم دینی،وظیفهء کلیسا است که هدف نهایی آن‏ عبادت خداست.

این تفکیک تا امروز نیز در کلیسای کاتولیک رومی‏ حفظ شده است.طبق اصطلاحات مصوب‏ شرعی(8)اصطلاح«زندگی دینی»در مورد کسانی به‏ کار می‏رود که:«تحت تأثیر ندایی مقدس یا عوامل‏ مقدس دیگری به امور خیریه و اوقاف و صدقات و انقیاد و بندگی خدا می‏پردازند و در مراکز و نهادهای رسمی کلیسایی معتبر که وقف اینگونه‏ کارهاست زندگی می‏کنند».(قانون شرعی‏ مصوب،573).روحانی سکولار به شکل طبیعی در حوزهء کشیشی خود به خدمت در کلیسا می‏پردازد در حالیکه خود به سلسلهء دینی خاصی وابسته‏ است.برای دیگران شرکت در فعالیتهای دنیوی‏ توصیه می‏شود(قانون شرعی مصوب،225)اما برای روحانیان اینگونه فعالیتها اکیدا ممنوع است‏ زیرا«مناسب شأن آنان نیست»(شریعت مصوب، 285).در قوانین مصوب شرعی،دنیوی شدن‏ تنها یک بار ذکر شده است:«خلع لباس روحانیان‏ به علت خاصی».اما«دایرة المعارف کاتولیک»این‏ اصطلاح برای محو کنترل کلیسا در مورد صفات یا اعمالی به کار می‏برد که ذاتا کاملا دنیوی‏اند.(9) (سرزمین‏ها،مدرسه‏ها،بیمارستانها،یتیمخانه‏ها و ...).

این اصطلاح در آمریکای لاتین از قرن نوزدهم به‏ همین معنا به کار رفته است،هنگامی که دولتهای‏ لیبرال با حمایت فراماسون‏ها،پوزیتیویست‏ها و اقلیتهای پروتستان،بر علیه سلطهء کلیسای کاتولیک‏ و مداخلهء آن در تعلیم و تربیت و اقدامات مدنی‏ (مثل کنترل موالید یا مراسم جشن ازدواج)به‏ مخالفت برخاستند.این عمل از سوی پروتستان‏ها نوعی جنگ بر علیه آزادی و حقوق مساوی برای‏ همه تلقی می‏شد و بحث بر سر برخی از محدودیت‏هایی که هنوز وجود دارند(مثل تصدی‏ برخی مناصب عمومی)به این جدال دامن می‏زند و این موضوع را همچنان در روابط کلیساهای جهان‏ مسأله‏ای بحث‏انگیز می‏سازد.جریان دنیوی‏ شدن.اما معنای کنونی واژهء«سکولار»زاییدهء دو عامل دیگر است:کشفیات نیمهء قرن بیستم در مورد اینکه جریان دنیوی شدن ساختارها و نیروها در زندگی عادی و همچنین در شیوهء تفکر و درک‏ واقعیت به چه گستردگی و شدتی وجود دارد،دیگر تلاشهای الهیاتی در مورد تفسیر کتاب مقدس بود که می‏خواست این کتاب را به عنوان سخن خدا و فعل او و مأموریت کلیسا در معنا کردن آن مطرح‏ کند.

دیتریش بونهافر(10)طی نامه‏ای از زندان در سال‏ 1944،سکولاریزه شدن را به عنوان نهضتی معرفی‏ می‏کند که«به سوی خود مختار ساختن آدمی پیش‏ می‏رود تا آدمی خود بتواند به کشف جهانی که در آن‏ می‏زید پرداخته و قوانین آن را کشف کند و در پرتو علم به سامان بخشی امور اجتماعی،سیاسی، هنر،اخلاق و دین بپردازد».جهان به بلوغ خویش‏ رسیده است و دیگر نیازی به مطرح ساختن«فرضیهء خدا»(11)برای معنابخشی به زندگی و حل مشکلات‏ بشری ندارد.دنیوی شدن طبق تعریف یکی از نهادهای جهانی مسیحی(بوسی)(12)که در سال‏ 1959 اعلام شده عبارت است از:«کنار زدن‏ نظارت دین و نهایتا ما بعد الطبیعه از صحنه‏های‏ زندگی و تفکر و کوشش برای زندگی و تلاش در این صحنه‏ها بدون حضور و مداخلهء دین».

دنیوی شدن یک جهان بینی نیست،بلکه یک‏ جریان(پروسه)است.ماهیت آن عبارت از نوعی‏ تحول در روش اندیشه و عمل بشری است.این‏ جهان هیچگاه در پی انسجام کامل بین افراد نیست.علوم مختلف در حوزه‏های مختلف‏ تخصصی تحقیق می‏کنند و یافته‏های آنها می‏تواندبه طور تجربی مورد بررسی قرار گیرد.فنون مختلف‏ نیز در پی افزایش کارآمدی خود هستند(بنگرید به: علم و تکنولوژی).

در این جریان معنای جهانشمول،خواه دینی یا غیر دینی بی‏ربط و بی‏معنا تلقی می‏شوند.انسانها دیگر در جوامع مرتبط و بسته زندگی نمی‏کنند و خود ارزشها و اعمال خودشان را تعیین کرده و مورد داوری قرار می‏دهند.بلکه در عوض آنان در ناشناختگی شهر(به تعبیر هاروی کاکس)(13) زندگی می‏کنند،جایی که آزادند به هر کجا که‏ می‏خواهند بروند و جمع‏شان و جهت و مسیر زندگی‏شان را خود انتخاب کنند.حتی دین نیز، اگر در جایی مورد قبول واقع شود،با معیار سودمندی‏اش برای همبستگی اجتماعی(امیل‏ دورکیم)(14)یا بهداشت روانی یا بهبود روابط اجتماعی ارزیابی می‏شود.

ایدئولوژی.

سکولاریزه شدن یک عادت روانی و یک شیوهء زندگی و یک روند حوادث بشری است نه یک‏ فلسفه.و شگفتی ندارد که تلاشهایی شده تا آن را به منزلهء نوعی جهان بینی که قدرت ایجاد امید و رهایی بخشی دارد و جهت بخشی خاص به زندگی‏ انسانها می‏دهد ارائه کنند.اینگونه مکتبهای‏ اومانیسم سکولار بسیار فراوانند،از ایدآلیسم تا پراگماتیسم و ماتریالیسم گرفته و از لیبرالیسم‏ اقتصادی تا مارکسیسم انقلابی و آنارشیسم را شامل‏ می‏شود.چنین فلسفه‏ای توسط نویسندهء انگلیسی‏ جی.جی.هولیواک(15)نام«سکولاریسم»به خود گرفته است.این فلسفه نوعی نظام فکری است که‏ بر چهار اصل استوار است:1-تأکید اصلی بر رشد مادی و فرهنگی انسان است،2-احترام‏نهادن به تلاش برای کشف حقیقت از طریق هر منبعی که باشد،به شرط آنکه قابل ارزیابی تجربی‏ باشد و منجر به بهبود وضع زندگی بشر شود،3- علاقه به پیشرفت همین جهان حاضر نه اندیشناک‏ آبادانی سرای دیگر بودن،4-پذیرش یک نوع‏ اخلاق مستقل عقلی.

سکولاریسم هولیواک که از نظر اخلاقی‏ سودانگارانه و از نظر خوش بینی‏اش نسبت به‏ ماهیت بشری ایدآلیستی و از نظر نسبی‏گرایی‏ افراطی معرفت شناختی‏اش پراگماتیستی بود، واکنش اخلاقی-اومانیستی مهمی بر علیه‏ مسیحیت معاصر او بود.این تفکر،نمونهء خوبی از سکولاریسم مطرح شده در«کنفرانس‏ بیت المقدس»(16)بود که در«شورای تبلیغ‏ جهانی»(17)در سال 1928 مطرح شد.در آنجا روفوس جونز(18)سکولاریسم را اینگونه تعریف کرد: «نوعی شیوهء زندگی و تفسیر زندگی که‏ اشیاء و موجودات را در یک نظم طبیعی می‏بیند و برای خدا یا موجود روحانی هیچگونه ارزشی در زندگی و اندیشه قایل نیست».کنفرانس‏ بیت المقدس سکولاریسم را به عنوان نوعی«دین‏ جدید»تلقی نمود که واجد ارزشهای مثبت بسیاری‏ است مثل،آزادی،آرمانگرایی،ایثار و خیراندیشی‏ که البته این دین جدید مانند دیگر ادیان،تحقق‏ نهایی‏اش را در روح عیسی مسیح می‏یابد.

اما این پیوند میان ایدئولوژیهای اومانیستی‏ و الهیات مسیحی مخالفانی از طرفداران الهیات‏ دیالکتیکی(امیل برونر،(19)کارل‏ بارث،(19)@(هندریک کریمر)(21)یافت و خود پروسهء سکولاریزاسیون نیز بر علیه آن جریان یافت. بونهافر اعتقاد داشت که همکاران متدین او در نبرد بر علیه هیتلر هیچگونه توهمات اومانیستی را باقی‏ نگذاشتند.اطمینان به رشد طبیعی و اخلاقی بشر با توسعهء علم و تکنولوژی و تهدید نیروی اتمی‏ و آلودگی محیط زیست از میان رفته است.مقررات‏ سیاسی و اقتصادی سوسیالیستی و کاپیتالیستی‏ برای نجات بشر،با ابتلای آنها به قدرت طلبی‏ اعتبارشان را از دست داده‏اند.روشهای‏ سکولاریستی اندیشه عمل با مادی کردن همهء تلاشهای(دینی و غیر دینی)می‏کوشند تا نظامی از معنا و امید پدید بیاورند.الهیات.پس با کدام‏ ایمان و امید سکولاریزه شدن را می‏توان تحمل کرد بدون آنکه در دام نیهیلیسم(هلموت ثیلیکه)(22)یا شرک عملی(هـ.ر.نیهبور)(23)بیفتیم؟برخی ادعا می‏کنند که چنین چیزی غیر ممکن است،زیرا سکولاریزاسیون تنها به عنوان بی‏دینی یا بی‏تفاوتی‏ دینی است نه به عنوان یک هدف یا نتیجه بلکه تنها به عنوان یک جریان،یعنی جریانی علیه دین‏ مسیحی.اگر این سخن راست باشد آنگاه خلأیی‏ بوجود خواهد آمد که جا برای شبه دینها باز خواهد شد(ویلهلم هاهن).(24)بارث در این مورد مردد است.از یک سو نقد او از دین بشری(عقاید کلیسا 1/2)(25)و عقیدهء او در مورد لزوم تحقیق‏ غیر دینی دربارهء طبیعت و بشر در خارج از قلمرو دین،فقط تا آنجا که منجر به پیدایش‏ جهان‏بینی‏های جدیدی نشود(3/2)به نظر می‏رسد که وجود امر غیر دینی را در حوزهء فیض‏ الهی می‏پذیرد.از سوی دیگر بارث صریحا نظر بونهافر در مورد بلوغ انسانیت بدون نیاز به مداخلهء وحی را مردود می‏شمارد(انسانیت خدا).(26)

الهیات سکولاریزاسیون در اصل و منشأ بوضوح‏ مدیون بونهافر و فریدریش گوگارتن(27)است.از نظر بونهافر،مسیح به دلیل ضعف و وابستگی‏ جهان-بر اساس جهان‏بینی‏های دینی یا غیر آن- با آن مواجه نمی‏شود،بلکه در قویترین نقطهء سلامت و مسؤولیت بشری با جهان رویاروی‏ می‏گردد.«این عمل دینی نیست که شخص را مسیحی می‏سازد،بلکه مشارکت در تحمل رنج به‏ خاطر خدا در زندگی مادی است که مایهء مسیحی‏ شدن است.این همان«متانوئیا»(28)است،یعنی‏ اینکه در وهلهء نخست نباید دربارهء مشکلات و نیازهای شخصی خود مثل گناه و ترس بیاندیشیم‏ بلکه خود را در اختیار مسیح قرار دهیم و به اسارت‏ او در آوریم».

\*پیوند میان ایدئولوژی‏های‏ اومانیستی و الهیات مسیحی‏ مخالفانی در میان طرفداران‏ الهیات دیالکتیکی یافت و خود پروسهء سکولاریزاسیون نیز بر علیه‏ آن جریان یافت.

بونهافر بوضوح معتقد است که یک جهان گناه‏آلود بی‏خدا نیز باید توبه کند و به مسیح ایمان بیاورد، اما گناهانی که جهان باید از آن توبه کند نخست آن‏ گناهانی هستند که در اثر به کارگیری زور و خشونت‏ و بی‏مسؤولیتی برای انسانها پدید آمده است.مسیح‏ که واقعیت غایی جهان است،در خود جهان‏ تکوین می‏یابد بدین منظور که با خودش جهان را از مادیت و دنیازدگی‏اش به سوی آمرزش نهایی حرکت‏ دهد(اخلاق).

گوگارتن سکولاریزه شدن را مستقیما به ایمان‏ دورهء اصلاح دینی(29)مرتبط می‏سازد،مسیحیان که‏ از طریق فیض و رحمت به برائت از گناه رسیده‏اند می‏توانند آزادانه در فرزندی عیسی مسیح مشارکت‏ کنند.این حالت مخلوقیت آدمی است و به واسطهء آن می‏توان مسؤولانه بر جهان حکومت کرد.از طریق عیسی می‏توان جهان را به طور کامل شناخت‏ و ساختار و تقدیر تاریخی آن را فهمید و وعدهء آمرزش الهی را درک کرد.موضع سکولار کلیسا دربارهء ایمان چنین است که:«با پذیرش حدود عقل‏ نمی‏توان مسألهء تکامل موجودات را که خدا در سرشت همهء موجودات قرار داده است رها کرد و نادیده گرفت.این مسأله همواره به طور نسبی وجود دارد».پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک دورانهای‏ جدید نه تنها مقبول خداوند است،بلکه در پرتوعنایت حق باید از محدودیت رها شده و به کمال‏ جامع خود برسد.البته در صورت تکیه بر اسطوره و ایدئولوژی بشری باید از تهدید الهی ترسید،اما از حیث مادی این پیشرفتها باید مورد تأیید قرار گیرد.

تأثیر جهانی این الهیات بسیار گسترده بوده‏ است.در سال 1959 همایش استادان دانشگاه در مؤسسهء جهانی کلیساها پروسهء سکولاریزاسیون را از نظر علوم مختلف دانشگاهی مثل فلسفه،علوم‏ طبیعی،جامعه‏شناسی،و علوم انسانی مورد بررسی‏ قرار داد و این تلاشی بود برای تشخیص مسؤولیت‏ مسیحیت و شناخت کلامی این مسأله در مورد این‏ جریان.یکی از نتایج جالب این همایش اثبات این‏ نکته بود که جریان دنیوی شدن دین در ژاپن و هند و حتی به طور بنیادی‏تری در چین و ادیان این‏ کشورها نیز پدیده‏ای در حال وقوع است.

پیامدهای این واقعیت برای رسالت تبلیغی‏ کلیسای مسیحی بسیار دامنه‏دار و گسترده است. این پیامدها در اثر آ.ت.فان لیوون(30)به نام‏ «مسیحیت در تاریخ جهان»(31)(1964)به طور کامل تشریح شده‏اند.از نظر فان لیوون،باید تمامی تاریخ غرب و تاریخ جهان را بر اساس‏ تاریخی شدن(32)رسالت مسیحی که ریشه در کتاب مقدس دارد فهمید.این نگرش که جنبهء اساطیری(33)یا عقل انگارانه(34)دارد و جهان را همواره به دو قلمرو ابدی و موقتی تقسیم و تجزیه‏ می‏کند،به طور مستمر از طریق انتخاب الهی در مورد مردمی خاص با پیامی دنیوی در مورد آمرزش به‏ چالش فرا خوانده شده است.وعدهء تاریخی انجیل‏ پیوسته از طریق ساختارهای مسیحی و غیر مسیحی‏ که تاریخ و امید بشر را محدود می‏سازد نقض شده‏ است.این چالشها به نام وعدهء الهی انقلابی را بر علیه این ساختارها برمی‏انگیزد.از نظر فان لیوون، تاریخ غرب و اکنون تاریخ جهان،حکایت همین‏ تبادل و هم کنشی است.بنابراین انجیل و بشارت‏ ملکوت تاریخ دنیا را با وعدهء الهی هم محک می‏زند و هم الهام می‏بخشد.کاکس در کتاب بسیار عامه پسندش به نام«شهر دنیوی»(35)همین پیام را در آمریکا مطرح ساخت.مطالعات جهانی دربارهء مکتب انجیل‏گرایی(36)در سال 1960 متأثر از این‏ پرسش بودند که چگونه کلیسا گواه تحقق دنیوی‏ وعدهء الهی است.

حوادث اخیر،اطمینان فان لیوون و پیش‏بینی او را در مورد سکولاریزه شدن مورد تردید قرار می‏دهند که معتقد بود دنیوی شدن هم چالشی با انجیل‏ است و هم از آن الهام می‏گیرد و این موج در آینده‏ ادامه خواهد یافت.رقبای دینی مختلف نیز در برابر رشد منطق تکنولوژیک و قدرت عرفی کنندهء جریان‏ سکولاریزاسیون واکنشهایی نشان داده‏اند.

ایدئولوژیها نیز به رقابت با دین برخاسته و حتی به‏ رقابت با ادیان به تفسیر واقعیت پرداخته‏اند.اما از نظر الهیاتی،پرسشی که خود متن عهد جدید به‏ طور خاص در برابر ما می‏نهد همچنان باقی است: اهمیت سکولوم،یعنی این دوره و زمان،به عنوان‏ زمان و مکان وحی خدا به مسیح چیست؟و نکتهء بعد اینکه ارتباط این دوره با دوره‏ای که در راه است‏ چگونه است؟

پی‏نوشت:

(1)- muluceaS

(2)- noia

(3)- etagluV

(4)- soinoia

(5)- anretea

(6)- sueamiT

(7)- sonorhc

(8)- nonaC wal

(9)- raluceS

(10)- hcirteiD reffohnoB

(11)- sisehtopyH " dog "

(12)- yessoB

(13)- yevraH xoC

(14)- elimE miehkruD

(15)- ekaoyloHJ.G

(16)- melasureJ ecnerefnoC

(17)- noitanretnI yranoissiM licnuoC

(18)- sufuR senoj

(19)- limE rennurB

(20)- lraK htraB

(21)- kirdneH remearK

(22)- tumleH ekcileihT

(23)- rhubeiN.R.H

(24)- mlehliW mhaH

(25)- hcruhc scitamgoD

(26)- ehT ytinamuH fo doG

(27)- hcirdeirF netragoG

(28)- aionatem

(29)- noitamrofeR

(30)- naV.T.A newueel

(31)- ytinaitsirhc ni dlrow yrotsiH

(32)- gnizicirotsiH

(33)- lacigolohtym

(34)- citsilanoitaR

(35)- raluceS ytic

(36)- msilegnavE

\*مقالهء حاضر ترجمهء مقالهء( noitaziraluceS )نگاشتهء selrahC tsew.C )است که در«فرهنگ نهضت جهانی کلیساها»به‏ چاپ رسیده و مشخصات کتابشناختی منبع یاد شده بدینقرار است:

yranoitciD fo eht lacinemucE tnemevoM ,) de (, salohciN ykssol , esoJ zeugim onineB , nhoJ .S eebop , moT yksnartS.F , yereffoeG thgirwniaW , eniluap bbew , dlrow licnuoc fo sehcruhC , -eneG av ,1991.

این فرهنگ یک جلدی که در واقع دانشنامه و دایرة المعارفی در باب مسیحیت است توسط نهضت جهانی کلیساها( ecw )به چاپ‏ رسیده و حاوی تازه‏ترین و معتبرترین مطالب دربارهء مسیحیت از دیدگاه مذاهب و فرقه‏های مختلف مسیحی است و توسط هیأتی از ویراستاران که نامشان در بالا ذکر شد ویرایش شده است.آشنایی با اینگونه مطالب تازه و معتبر هم به شناخت و بصیرت ما مسلمانان در مورد این دین می‏افزاید و هم برای کسانی که در زمینهء گفتگوهای بین‏ ادیان فعالیت دارند آگاهی بخش و مددکار خواهد بود افزون بر همهء اینها بحث دنیاگرایی و دنیوی شدن دین(سکولاریسم و سکولاریزاسیون)از مباحث مطرح و زندهء فضای فرهنگی جامعهء ماست و آگاهی بخشی به جامعه و طرح و معرفی دیدگاههای‏ گوناگون در این باب همراه با ارزیابی و نقادی عالمانه و منصفانه و سالم وظیفهء خطیر همهء اندیشمندان و فرزانگان این دیار است.امید می‏بریم که ترجمهء این مقاله موجب افزایش بصیرت جامعهء ما نسبت‏ به این مقولهء مهم فرهنگی و نیز تصحیح برخی دیدگاهها و داوریهای‏ ناصواب شده و در مجموع سودمند بیفتد.نگارنده در این خصوص‏ سخنرانیها،مصاحبه‏ها و مقالات متعددی انجام داده و نگاشته که‏ امید می‏برد روزی همهء آنها را یکجا در مجموعه‏ای منتشر سازد.